

معیارهای طراحی ساختاری برنامه‌های ترکیبی رادیویی

نوشته

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

حسن خجسته باقرزاده *

فاطمه روشن **

فاطمه عظیمی فرد ***

زهرا صفایان ****

چکیده

رادیو به عنوان یک رسانه مهم شنیداری، برای حفظ مخاطب خود و جذب مخاطب بیشتر، باید همواره به دنبال تولید برنامه‌هایی با کیفیت بالا و جذاب باشد. برای رسیدن به این هدف، علاوه بر تأمین محتوای خوب نیاز است، به لحاظ ساختاری نیز طراحی مناسب برای برنامه‌ها صورت گیرد. از عوامل مهم ایجاد جذابیت در یک برنامه ترکیبی رادیویی، ارائه متنوع محتوا در ساختار برنامه است، در این صورت رعایت انسجام و یکپارچگی در کل برنامه بسیار مهم خواهد بود. هدف این پژوهش، تعیین معیارهایی برای طراحی ساختاری برنامه‌های ترکیبی رادیویی، جهت تولید برنامه‌هایی با ساختار متنوع و منسجم است. این مقاله، با تکیه بر داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش مصاحبه عمیق از بیست نفر از متخصصان حوزه برنامه‌سازی رادیویی انجام شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، که به‌ویژه با استفاده از نظر کارشناسان و برنامه‌سازان در جریان فرایند مصاحبه به دست آمده است، می‌توان چهار معیار شامل معیار توازن، معیار فراز و فرود، معیار ریتم و معیار تناسب را برای طراحی ساختاری برنامه‌های ترکیبی رادیویی مطرح کرد. با استفاده از این چهار معیار، که خود زیرشاخه‌هایی دارند، می‌توان به تولید برنامه‌هایی متنوع و درعین حال منسجم کمک کرد. در میان چهار معیار مطرح شده، معیار توازن و تناسب بیشتر ناظر بر ایجاد انسجام و یکپارچگی در برنامه و دو معیار ریتم و فراز و فرود، بیشتر ناظر بر ایجاد تنوع در برنامه، در عین رعایت تناسب و توازن هستند.

کلیدواژه: معیار، طراحی، ساختار برنامه رادیویی، برنامه ترکیبی رادیویی.

* دانشیار دانشکده تولید رادیو و تلویزیون، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران khojasteh@iribu.ac.ir

** کارشناس ارشد تهیه‌کنندگی رادیو، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Fa.roshan77@gmail.com

*** دکتری زبان‌شناسی، مدیر گروه زبان و رسانه مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران F.azimifard@irib.ir

**** دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران Z.safaeyan@yahoo.com

مقدمه

رادیو، یک رسانهٔ متقدم در سپهر رسانه‌ای است و نقش پررنگی در تعامل و ارتباط با مخاطبان خود دارد. با توجه به تعدد و تکثر رسانه‌ها، سیاستگذاران، مؤلفان و به‌خصوص تهیه‌کنندگان، وظیفهٔ خطیر و حساسی در برابر حفظ این مخاطبان و نیز جذب مخاطب جدید دارند (زندى، ۱۳۹۰: ۱۶۸). تولید یک برنامهٔ رادیویی، مانند تولید یک قطعهٔ موسیقی یا یک فیلم سینمایی یا یک کتاب، می‌تواند یک آفرینش هنری محسوب شود. در تولید یک برنامهٔ رادیویی، تهیه‌کننده و دیگر عوامل از جمله گوینده و نویسنده دست به خلق یک اثر می‌زنند، اثری که علاوه بر هنری بودن و جذاب بودن باید حامل محتوا نیز باشد. پس بدیهی است که تولید یک برنامهٔ رادیویی با این ویژگی‌ها، نیاز به اندیشه و برنامه‌ریزی دارد که در این میان نقش تهیه‌کننده، در ارائهٔ برنامه‌ای با کیفیت، بسیار مهم است.

مهم‌ترین وظیفهٔ برنامه‌ساز این است، که با انتخاب ساختاری مناسب با موضوع و محتوای یک برنامه در مخاطب تأثیر بگذارد، القای مفاهیم کند یا موفق به جذب و جلب مخاطب شود؛ به طوری که مخاطب بعد از شنیدن برنامه با احساس آرامش کند، یا به رادیو و شبکهٔ مورد نظر اعتماد پیدا کند و یا با شنیدن برنامه احساس لذت کرده و قسمتی از نیازهایش برآورده شود. (خاکمردانی، ۱۳۸۸: ۵۹)

از جمله مواردی که لازم است تهیه‌کننده، جهت تولید یک برنامهٔ باکیفیت مد نظر قرار دهد، داشتن طراحی در جهت چگونگی ارائهٔ پیام مورد نظر در برنامه است. در طراحی برنامه، توجه به چیدمان ساختاری در راستای بیان هدف و معنای کلی برنامه اهمیت بسیاری دارد. در این راستا توجه به این نکته مهم است، که عناصر شنیداری و نیز قالب‌ها و آیتم‌ها که از این عناصر شکل یافته‌اند، در ترکیب با یکدیگر چگونه به بهترین نحو محتوا و هدف برنامه را به مخاطب منتقل می‌کنند. برای رسیدن به این هدف خوب است بدانیم، آیا می‌توان معیارهایی کلی را، برای طراحی و چیدمان ساختاری برنامه‌های رادیویی، به‌ویژه برنامه‌های ترکیبی تعیین کرد که از تنوع و تعدد عناصر شنیداری و قالب‌ها تشکیل شده‌اند؛ معیارهایی که برنامه‌سازان را در طراحی هرچه بهتر برنامه رادیویی کمک کنند. هرچند باید گفت در طراحی یک برنامهٔ رادیویی، عوامل بسیاری مانند سیاست‌های شبکه، ساعت پخش برنامه، موضوع برنامه، خلاقیت و سلیقهٔ برنامه‌ساز و ... تأثیرگذارند، بنابراین می‌توان رویکردهای متفاوتی را، در طراحی برنامه‌های رادیویی پیش رو قرارداد و نمی‌توان چارچوب خاصی را تعیین کرد.

اما در برنامه‌سازی رادیویی، مانند هر حرفه و هنر دیگر، اصول و معیارهایی کلی وجود دارد که رعایت آن‌ها به بهبود فرایند برنامه‌سازی کمک خواهد کرد. در این راستا، برای دستیابی به این معیارها، به این دلیل که در منابع نظری و علمی، به طور خاص به این مسئله کمتر پرداخته شده بود، با تکیه بر مبانی نظری و با استفاده از روش مصاحبهٔ عمیق، سعی کردیم از دانش و تجربه‌های برنامه‌سازان و متخصصان امر برنامه‌سازی استفاده کرده و معیارهایی را تعیین و معرفی کنیم. هرچند

مسئله طراحی برنامه رادیویی، امری مهم و قابل توجه است، اما همان‌گونه که اشاره شد، در حیطه نظری کمتر به آن پرداخته و می‌توان گفت مسئله‌ای بدیهی است که مورد غفلت واقع شده. از طرف دیگر، در زمینه معرفی و پرداختن به معیارهای لازم برای طراحی برنامه، اطلاعات بسیار محدودتر است. بنابراین مسئله این مقاله، توجه به چگونگی طراحی ساختار برنامه رادیویی از طریق تعیین معیارهایی برای این طراحی، به‌ویژه در برنامه‌های ترکیبی رادیویی، خواهد بود و در این راستا، هدف پژوهش نیز معرفی معیارهایی جهت افزایش کیفیت برنامه‌های رادیویی، به‌ویژه برنامه‌های ترکیبی خواهد بود؛ معیارهایی که بتوان به کمک آن‌ها برنامه‌های رادیویی را ارزیابی کرده و محک زد.

پیشینه پژوهش

در زمینه ارائه معیارهایی، برای طراحی برنامه رادیویی، پژوهش‌های محدودی وجود دارد. تنها پژوهش اختصاصی فارسی که به موضوع اصلی پژوهش حاضر، یعنی تعیین معیارهایی برای طراحی برنامه، نزدیک است و تا انجام این پژوهش در دسترس قرار گرفته است، پایان‌نامه چابکی (۱۳۸۸) با عنوان بررسی میزان ارتباط و انطباق ریتم روزانه بدن با برنامه‌سازی رادیویی و پیشنهاد الگوی مطلوب، است. این پژوهش، با هدف بررسی میزان ارتباط و انطباق ریتم روزانه بدن با برنامه‌سازی در رادیو، صورت گرفته است. در این پژوهش، چرخه ۲۴ ساعته بدن انسان، که متأثر از میزان روشنایی است و ارتباط آن با برنامه‌سازی رادیو مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباط این یافته‌ها با برنامه‌سازی رادیو نشان می‌دهد، درک ریتم روزانه بدن انسان و نیاز شنونده رادیو از ضروریات کار عوامل برنامه‌سازی است؛ زیرا مخاطبی که به نیازهای او پاسخ داده نشود همراه رادیو باقی نمی‌ماند. در این پژوهش به رابطه ریتم روزانه بدن انسان و انعکاس آن در ریتم برنامه‌سازی در رادیو توجه می‌شود. بنابراین، به مسئله ریتم در رادیو پرداخته شده، که یکی از معیارهای تعیین شده در پژوهش حاضر، برای طراحی برنامه‌های رادیویی است؛ هرچند هدف اصلی آن، تعیین معیار جهت طراحی برای رادیو نبوده، که هدف پژوهش حاضر است.

جو تاجچی^۱ (۲۰۰۹) در مقاله خود با عنوان "ریتم رادیویی و عاطفی در زندگی روزمره"^۲ به بررسی نقش ریتم و صدای رادیو، در ایجاد ریتم‌های مؤثر در زندگی روزمره می‌پردازد. این مقاله با مطالعه ویژگی‌های عاطفی صدای رادیو و ظرفیت آن برای ایجاد خلق و خو در خانه، به بررسی حالات عاطفی شخصی می‌پردازد. اصطلاح ریتم عاطفی، که او مطرح می‌کند، هم به خلق و خوی شخصی افراد و هم به روال زندگی روزمره مربوط می‌شود؛ او به دنبال تأثیر بر هر دو از طریق صدای رادیو است. این پژوهش، به طور کلی به بررسی چگونگی ریتم صدای رادیو و تأثیری

1. Jo Tacchi

2. "Radio and affective rhythm in the everyday"

پرداخته است که می‌تواند بر ریتم زندگی روزمره داشته باشد و برخلاف پژوهش حاضر، این موضوع را بیشتر به صورت عاطفی مورد بررسی قرار داده است تا ساختاری.

هر چند وجود پژوهش‌هایی که به صورت اختصاصی به مسئله تعیین معیار برای طراحی برنامه‌های رادیویی بپردازند، محدود است، اما در زمینه چگونگی طراحی و تولید برنامه‌های رادیویی، پژوهش‌های بیشتری صورت گرفته است. به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم که بیشترین ارتباط را با ماهیت این پژوهش دارند.

جولانی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با نام بررسی عناصر انسجام‌بخش در متون اجتماعی رادیو، به بررسی و کشف عوامل انسجام‌بخش متون اجتماعی و تعیین نوع آن‌ها، به لحاظ زبانی یا غیر زبانی بودن می‌پردازد. اهمیت این پژوهش در ارتباط بین انسجام در برنامه‌های رادیویی و میزان جذب مخاطب است. در این پژوهش، انسجام بین سه عنصر اصلی رادیو یعنی کلام، موسیقی و صدا مورد توجه قرار گرفته و همچنین نقش عوامل غیرزبانی در انسجام متون رادیویی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش نیز، مانند پژوهش حاضر، انسجام در تولید برنامه‌های رادیویی را مد نظر قرار داده که موجب جذابیت بیشتر برنامه برای مخاطب می‌شود.

سالمی (۱۳۸۶) در پژوهش خود، میزان جذابیت برنامه‌های ترکیبی را برای مخاطبان، با استفاده از عوامل جذابیت‌بخش در برنامه مد نظر دارد. این پژوهش، عوامل مختلفی را مورد بررسی قرار داده که باعث افزایش و یا کاهش جذابیت در برنامه‌های ترکیبی می‌شوند.

برخوردار (۱۳۸۷) در بخشی از پژوهش خود با نام "تحلیل و بررسی برنامه‌های رادیویی"، به عوامل مختلفی اشاره می‌کند که در تأثیرگذاری برنامه و موفقیت آن، هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ طراحی ساختاری، نقش اساسی دارند. او هدف اصلی در تحلیل و بررسی برنامه‌ها را ارزیابی سه عنصر اساسی، یعنی مطلوب بودن محتوا و پیام برنامه، مطلوب بودن ساختار برنامه و جذابیت آن و نیز مطلوب بودن تأثیرگذاری برنامه در ارتباط با مخاطبان، می‌داند.

مرور مفهومی و نظری

در این بخش، ابتدا برخی مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌سازی در رادیو و سپس چارچوب نظری مقاله حاضر مرور می‌شود.

طراحی برنامه‌های رادیویی^۱

طرح برنامه: طرح، نقشه راه، تهیه‌کننده است. تهیه‌کننده در طرح، راه‌های رساندن پیام را به مخاطب بررسی می‌کند. طرح برنامه رادیویی، بر چهار رکن اساسی استوار می‌شود: "سوژه"، "ابژه"، "هدف" و "ایده". تهیه‌کننده، برای طراحی برنامه، نیازمند آن است که سوژه را مشخص و ابژه را

پیدا کند؛ هدف را معلوم و ایده را پردازش کند؛ تا بتواند برنامه را بسازد. در این صورت تهیه‌کننده، بلندترین گام را برای ساخت برنامه‌ای موفق برداشته است (دباغ، ۱۳۹۴: ۵۷).

در این توضیحات، مراحل ایجاد طرح برنامه رادیویی بیان شد. اما درون برنامه، برای طراحی ساختاری برنامه رادیویی، به‌ویژه در برنامه‌های ترکیبی که عناصر چهارگانه شنیداری مستقل و یا با ترکیب یکدیگر، فرم‌ها و قالب‌ها را می‌سازند و این عناصر و قالب‌ها، در ترکیب با هم یک ساختار بزرگ‌تر، یعنی برنامه (ترکیبی) رادیویی را می‌سازند. بنابراین لازم است که تهیه‌کننده عناصر شنیداری، فرم‌ها و قالب‌ها را به‌خوبی بشناسد و از کارکردهایشان مطلع باشد.

برنامه رادیویی^۱

به مجموعه سازمان‌یافته پیام‌های رادیویی که با هدف تأثیرگذاری خاص روی گروه مشخصی از مخاطبان تهیه و پخش می‌شود، برنامه رادیویی می‌گویند. (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۲). برخوردار نیز، برنامه رادیویی را این‌گونه تعریف کرده است: «مجموعه‌ای از صداهای جمع‌آوری شده، که به قسمی تهیه و ارائه شوند تا بتوانند فکر یا احساس خاصی را به شنونده برسانند.» (برخوردار، ۱۳۸۱: ۵۹).

ساختار [برنامه‌های] رادیویی^۲

به طور کلی "ساختار"، حاصل تمام روابط عناصر تشکیل‌دهنده اثر با یکدیگر است؛ یعنی ارتباط ذاتی میان همه عناصر اثر ادبی و هنری، که تمامیت و کلیت آن اثر را در بر می‌گیرند و به آن انسجام و یکپارچگی می‌دهند. در رادیو، ساختار به معنای شکل نهایی ساخت یک برنامه رادیویی است که از یک یا چند فرم/ قالب تشکیل می‌شود (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۷).

برنامه‌های رادیویی از نظر فرم و قالب به دو دسته کاملاً مشخص تقسیم می‌شوند:

۱. ساختار برنامه‌های ساده

ساختارهایی هستند که از یک قالب رادیویی تشکیل شده باشند؛ مثل گفتار، گزارش، مصاحبه، میزگرد، سخنرانی و کارشناسی - درس. برنامه‌های ساده رادیویی از یک یا دو فرم یا گونه رادیویی تشکیل می‌شوند (برخوردار، ۱۳۸۱: ۶۳).

۲. ساختار برنامه‌های ترکیبی

برنامه‌هایی است که در آن مجموعه‌ای از فرم‌های رادیویی در کنار هم، برای یک هدف و با نامی معین ساخته و به شنوندگان معرفی می‌شود. برنامه‌های مستند، جُنگ‌ها،

1. Radio programmes

2. Radio structures

نمایش‌ها، نوعی از مسابقه‌ها و ... از جمله برنامه‌های ترکیبی هستند (دباغ، ۱۳۹۴: ۶۵). در میانه راه پژوهش دریافتیم، عنوان برنامه ترکیبی از طرف معاونت صدا در حال منسوخ شدن است و برنامه‌های ترکیبی به برنامه‌های مجله‌ای و جنگ که تعریف‌های استاندارد بین‌المللی دارند، تقسیم شده است. اما از آنجا که هدف ما در این پژوهش، بررسی چگونگی طراحی و چیدمان برنامه رادیویی بوده است، برنامه‌هایی را مد نظر قرار داده‌ایم که ترکیبی از اجزا، بخش‌ها و همچنین ترکیب عناصر چهارگانه رادیویی باشند و نیاز به طراحی و چیدمان در آن‌ها، نسبت به برنامه ساده بیشتر حس می‌شود. بنابراین، منظور ما از برنامه‌های ترکیبی، برنامه‌هایی است که ترکیبی از اجزاء و بخش‌های مختلف است. به همین علت در این پژوهش، عنوان کلی ساختار ترکیبی که ساختارهایی مانند مجله و جنگ را پوشش می‌دهد، مد نظر قرار داده‌ایم. در ادامه تعریف مختصری از برنامه‌های مجله‌ای و جنگ را نیز بیان می‌کنیم.

مجله رادیویی: مجله‌های رادیویی، همانند نمونه‌های چاپی خود «مخاطبان هدف، هویت، محتوای مخصوص و سبک ارائه مخصوص دارند» (بیمن^۱، ۲۰۰۶). در مجله رادیویی از چندین آیتم مختلف، در یک برنامه رادیویی استفاده می‌شود که معمولاً به وسیله گفتار کوتاه، موسیقی و افکت‌های گوناگون، به یکدیگر متصل می‌شوند. یک مجله رادیویی، بایستی اصل "تنوع در عین یکپارچگی" را دنبال کند. (اسمعیل نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۶) استارکی^۲ در کتاب محتوای برنامه‌های رادیویی^۳ می‌نویسد: «مجله‌های رادیویی دو ویژگی اساسی دارند: مخاطبان هدف و طرح اصلی. مجله‌های رادیویی، مجموعه‌ای از آیتم‌های متفاوت‌اند که تم مشترک یا خوانندگانی با هدف مشترک دارند. تم مشترک مجله، تعداد زیادی از آیتم‌های متفاوت است که به موضوع مشخصی مربوط می‌شوند» (استارکی، ۲۰۰۲: ۱۱۹).

جنگ: جنگ به دلیل تنوع فرم‌های مورد استفاده در آن، شباهت بسیاری با مجله دارد، اما یک تفاوت اساسی میان جنگ و مجله این است که جنگ، موضوع واحدی دارد. این موضوع واحد، در فرم‌های مختلف رادیویی و به شکل‌های مختلف در برنامه پرداخته می‌شود (اسمعیل نژاد، ۱۳۹۸).

نظریه فرمالیسم^۴، پایه نظر این پژوهش است، که به فرم و ساختار آثار ادبی و هنری و نیز عناصر سازنده یک ساختار توجه دارد. همچنین از نظریه فرمالیسم نو، جهت تکمیل مباحث مبانی نظری بهره برده‌ایم.

1. Beaman

2. Starkey

3. *Radio in Context*

4. formalism

فرمالیسم

نظریه پردازان فرم‌گرا، متن ادبی را دارای وحدت و انسجامی نظام‌مند و ارگانیک و دارای ساختاری یکپارچه می‌دانند که در آن، خواننده اثر، همه عناصر مربوط یا غیر مربوط را، در انسجام و وحدتی زیبایی‌شناختی، کنار یکدیگر قرار می‌دهند. در دیدگاه فرمالیست‌ها «اثر ادبی بیانگر نظام وابسته به یکدیگر است. رابطه هر عنصر با دیگر عناصر، کارکرد آن در چارچوب نظام اثر به شمار می‌آید» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۳۲).

به گفته کلایو بل^۱، نظریه پرداز فرمالیست، آنچه تعیین می‌کند که اثری، اثر هنری است یا خیر، این است که واجد فرم (صورت) دلالت‌گر باشد. به سخن دیگر، اگر و فقط اگر اثری طرح شاخص و ممتازی داشته باشد، هنر محسوب می‌شود. هرچند اهمیت فرم (صورت) به خصوص با گرایش هنر مدرن به تجرید، بروز یافت؛ اما گفته می‌شود، داشتن فرم (صورت) دلالت‌گر ویژگی همه آثار هنری، چه در گذشته و چه در حال و آینده است. از دیدگاه بل، ویژگی شاخص فرم دلالت‌گر "ساختار یکپارچه" اثر هنری است (کارول، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

در طراحی برنامه رادیویی، به‌ویژه برنامه‌های ترکیبی که از اجزاء مختلفی تشکیل شده است، وجود یکپارچگی و انسجام در کلیت برنامه، بسیار مهم است؛ زیرا یک برنامه منسجم، به‌طور قطع، در انتقال هدف خود موفق‌تر خواهد بود. معیارهای مطرح‌شده در این بخش از جمله تناسب، ریتم و توازن و فراز و فرود در انسجام برنامه نقش مهمی دارند.

به دلیل اهمیت توجه به محتوا، در تولید آثار هنری، به‌ویژه در تهیه برنامه‌های رادیویی که در آن عناصر شنیداری، قالب‌ها و بخش‌ها، متناسب با محتوا انتخاب و طراحی می‌شوند، به نظریه فرمالیست‌نو اشاره می‌کنیم، که در ادامه نظریه فرمالیست ایجاد شد و علاوه بر فرم بر اهمیت محتوا نیز تأکید می‌کند.

فرمالیسم نو^۲

فرمالیسم نو نیز می‌گوید، اثری هنری است که واجد ۱. محتوا و ۲. فرم (صورت) باشد؛ ۳. این صورت و محتوا، به نحو مناسب و مقتضی، به هم مربوط شده باشند.

بنابراین، آنچه میان آثار هنری و چیزهای دیگری که فرم و محتوا دارند، فرق می‌گذارد این است که در آثار هنری، فرم و محتوا به وضع متناسب پسندیده‌ای با هم پیوند یافته‌اند. یعنی فرم اثر، با معنای آن هماهنگی دارد و از این هماهنگی احساس رضایت و خرسندی می‌کنیم (کارول، ۱۳۸۷). در برنامه‌های رادیویی، فرم و محتوا بر هم تأثیر دارند. با استفاده از نظریه فرمالیسم نو، می‌توانیم بگوییم، فرم مناسب با محتوا، فرمی است که ابتدا برنامه‌ساز، به عنوان یک فرد، از آن احساس رضایت کند و در پی انتخاب درست فرم، مخاطب نیز احساس رضایت داشته باشد.

1. Clive Bell

2. New formalism

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی است. پژوهشگر کیفی، جهان اجتماعی را به مثابه طرحی متشکل از روابط نمادین در نظر می‌گیرد که قائم به کنش‌ها و تعامل‌های انسان است (کنی، ۲۰۰۹). در این پژوهش، جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات ابتدا، با تکیه بر روش کتابخانه‌ای از پژوهش‌ها و کتاب‌هایی بهره بردیم که در این حوزه وجود داشت؛ اما به دلیل کمبود منابع نظری و کتابخانه‌ای در این حوزه، جهت کسب اطلاعات اصلی و تکمیلی مورد نیاز، از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده کردیم. برای این منظور با استفاده از "نمونه‌گیری هدفمند" و "گلوله برفی" با بیست تن از تهیه‌کنندگان رادیو از شبکه‌های مختلف صدا، مصاحبه کردیم که تجربه‌های موفق در امر برنامه‌سازی رادیویی داشتند. همچنین سعی کردیم مصاحبه‌شوندگان را از دوره‌های زمانی مختلف (برنامه‌سازان پیشکسوت تا جوان) انتخاب کنیم.

روش نمونه‌گیری، در انتخاب مصاحبه‌شوندگان هدفمند است و با توجه به روش‌های مختلف موجود در نمونه‌گیری هدفمند، از روش "نمونه‌گیری موارد همگون" استفاده شد. در این روش، مواردی به صورت هدفمند انتخاب می‌شوند که از نظر ویژگی‌های مورد بررسی، همگون بوده، در حد امکان تنوع کمتری داشته باشند (حریری، ۱۳۸۶: ۱۳۴). در این راستا، ابتدا از استادان و مدیران چند شبکه رادیویی خواسته شد، تعدادی از برنامه‌سازان صاحب‌نظر و موفق را، در امر برنامه‌سازی رادیویی معرفی کنند. گفتنی است، در برخی مقاطع، برای شناخت بیشتر و عمیق‌تر درباره موضوع پژوهش، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی نیز استفاده شده است. به همین منظور در برخی از مصاحبه‌ها از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا برای رسیدن به اهداف پژوهش و غنای محتوایی آن، افراد متخصص، صاحب‌نظر و موفق را، در زمینه برنامه‌سازی رادیو، معرفی کنند. در نهایت، با در نظر گرفتن قاعده اشباع و با مشورت استادان، با بیست نفر از متخصصان امر برنامه‌سازی مصاحبه شد. پرسش اصلی مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان این بود که "برای طراحی ساختاری برنامه‌های ترکیبی رادیویی چه معیارهایی را می‌توان مد نظر قرار داد؟" و با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، در راستای تعمیق و گسترش بحث، سؤال‌های جزئی‌تر نیز مطرح شد.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش کدگذاری کیفی استفاده شده است؛ به این ترتیب که پس از ضبط مصاحبه‌ها، تمام اطلاعات و گفت‌وگوهای انجام‌شده ثبت شد. سپس با پیاده و تبدیل کردن ادبیات محاوره‌ای مصاحبه‌ها به مکتوب و ویراستاری‌های لازم، همچنین با مطالعه دقیق و جزئی متون پیاده‌شده، نظر و پاسخ‌های افراد مصاحبه‌شونده دسته‌بندی شد. به این صورت که ابتدا مفاهیم مرتبط با پاسخ سؤال‌های تحقیق استخراج و بعد فرایند مقوله‌بندی انجام شد و در نهایت پاسخ‌های کدگذاری شده از متن که به شکلی معنادار با مقوله‌ها ارتباط پیدا می‌کردند، استخراج و بر مبنای آن‌ها تحلیل داده‌ها صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این بخش پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به پرسش‌های پژوهش را، در قالب چهار معیار و زیرشاخه‌های این معیارها، به صورت مدون ارائه می‌دهیم. معیارهایی که عموماً برنامه‌سازان، در جریان برنامه‌سازی به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه آن‌ها را به کار می‌گیرند.

معیار توازن

اهتمام به رعایت توازن در تولید برنامه‌های ترکیبی، معیاری بود که همه مصاحبه‌شوندگان، رعایت آن را مهم و لازم دانسته‌اند. طبق نظرهای ارائه‌شده برای این معیار، اگر کل یک برنامه را دو نیمه در نظر بگیریم، هر دو نیمه به لحاظ داشتن عناصر، باید با هم متعادل باشند؛ البته تقارن یا تساوی مد نظر نیست.

توازن در برنامه، هم به لحاظ محتوایی و هم ساختاری باید رعایت شود.

۱. **توازن محتوایی:** منظور این است که محتواهای متفاوت، با رعایت توازن، در برنامه تقسیم شود. این‌گونه نباشد که اگر در برنامه، هم محتوای جدی و هم سرگرمی داریم، محتوای جدی در یک نیمه برنامه بیاید و محتوای سرگرمی در نیمه دیگر، بلکه باید در طول برنامه و با توازن پخش شوند.

۲. **توازن ساختاری:** منظور این است که عناصر شنیداری، بخش‌ها و آیتم‌ها، در طول برنامه به صورت متعادل پراکنده شوند. همچنین ریتم و تمپو، در سراسر برنامه، تفاوت چشمگیری نداشته باشد. بیشتر مصاحبه‌شوندگان، رعایت نکردن توازن در برنامه‌سازی را، توسط برخی برنامه‌سازان، اشکال عمده‌ای می‌دانستند که زیاد به چشم می‌خورد. به برخی مواردی اشاره می‌کنیم که به توازن در برنامه کمک می‌کنند:

- فرم‌ها و قالب‌های مشابه، کنار هم چیده نشوند. مثلاً یک نیمه یا یک سوم برنامه، آیتم‌محور نباشد و نیمه دیگر گفت‌وگو محور. یا یک نیمه برنامه کلام‌محور نباشد و نیمه دیگر موسیقی‌محور. عناصر شنیداری گوناگون، شامل موسیقی و کلام در سرتاسر برنامه پراکنده شود؛ عناصر کلامی در پی هم نیایند، موسیقی نیز به همین نحو.
- ریتم برنامه نیز، در عین داشتن فراز و فرود، در دو نیمه متوازن باشد. مثلاً صحیح نیست که در یک نیمه آیتم‌های ریز تجمع‌کنند و ریتم برنامه تند باشد و در نیمه بعد از آیتم‌ها و بخش‌هایی مانند گفت‌وگوی طولانی با ریتم کندتر استفاده شود.
- در یک نیمه تمپوی کلام بالا نباشد و در یک نیمه افت کند.
- بخش‌های مشابه، زمان‌هایی مشابه داشته باشند، اما لازم نیست مساوی باشد. مثلاً اگر در نیمه اول، بخش کارشناسی چهار دقیقه بوده است، در نیمه بعد هم زمانی نزدیک به چهار دقیقه باشد و نه مثلاً پانزده دقیقه.

- لحن برنامه نیز باید متوازن باشد. مثلاً لحن رادیو جوان، لحن محاوره‌ای است و باید این لحن را تا پایان برنامه حفظ کرد.
- توازن در برنامه، موجب یکپارچگی و تناسب در برنامه خواهد شد (روشن، ۱۳۹۹: ۱۳۶-۳۸).

جدول ۱. محورهای معیار توازن در طراحی ساختاری (فرمی) برنامه ترکیبی

مقوله	زیرمقوله
رعایت توازن در چیدمان محتوا، بخش‌ها و عناصر برنامه	۱. توازن محتوایی: تقسیم متوازن محتواهای متفاوت در برنامه <ul style="list-style-type: none"> ● تقسیم متعادل محتوای سرگرمی و جدی در برنامه؛ ● تقسیم متعادل محتوای جذاب و کمتر جذاب در برنامه، ● و ...
	۲. توازن ساختاری: تقسیم متوازن عناصر شنیداری، بخش‌ها و آیتم‌ها در طول برنامه <ul style="list-style-type: none"> ● کنار هم چیده نشدن فرم‌ها و قالب‌های مشابه؛ ● متوازن بودن ریتم برنامه در دو نیمه در عین داشتن فراز و فرود؛ ● متوازن بودن تمپوی کلام در دو نیمه؛ ● وجود تشابه زمانی در بخش‌های مشابه؛ ● متوازن بودن لحن برنامه.

معیار فراز و فرود

معیار دیگری که برخی مصاحبه‌شوندگان مطرح کردند، معیار فراز و فرود است که رابطه تنگاتنگی با مبحث توازن و ریتم دارد، به گونه‌ای که می‌توان گفت مکمل هم هستند و به نوعی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. اما به دلیل اهمیت مبحث فراز و فرود به صورت جداگانه به آن می‌پردازیم.

در برنامه‌های ترکیبی، برای هر برنامه یک منحنی جذابیت می‌توان کشید، که نقش فراز و فرود در این منحنی مهم است؛ فراز و فرود، ریتم ایجاد می‌کند. بیشتر مصاحبه‌شوندگان، به داشتن این منحنی جذابیت و یا به عبارت دیگر، داشتن "موج سینوسی" در برنامه تأکید داشتند. در این منحنی (موج سینوسی)، در نقاطی که برنامه ریتم (تمپوی) بالاتری دارد، مثلاً آیتم خوانش پیامک‌ها که میان آن‌ها موسیقی یا پالس پخش می‌شود، منحنی در فراز است و در نقاطی که برنامه فروکش می‌کند، مثلاً زمان پخش یک بخش تحلیلی، برنامه در فرود است. این فراز و فرودها بهتر است در حالتی از توازن باشند و یک نیمه برنامه در فراز و نیمه دیگر در فرود نباشد. هرچه منحنی این موج‌های سینوسی کوتاه‌تر، یعنی نقاط فراز و فرود بیشتر و به هم نزدیک‌تر باشد، ریتم برنامه تندتر است و هرچه این منحنی‌ها کمتر و با فاصله باشد، ریتم کندتر است.

اعمال فراز و فرود، چه در کلیت برنامه و چه درون بخش‌ها و آیتم‌ها، هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی، در برنامه‌های ترکیبی لازم است. دو نوع فراز و فرود در برنامه داریم.

۱. **فراز و فرود درونی (محتوایی):** فراز و فرودی که محتوای برنامه را شکل می‌دهد و به سناریو و طراحی موضوعی برنامه مربوط است. مثلاً اینکه کی سؤال ایجاد کنیم؟ کی بسط موضوعی بدهیم؟ و چه موقع سوال را جواب بدهیم؟

فراز و فرود درونی را، هم در کلیت برنامه و هم درون آیتم‌ها، می‌توان اعمال کرد. با فراز و فرود محتوایی می‌توان بافت دراماتیک ایجاد کرد. مثلاً در چینش برنامه، ابتدا با گره‌افکنی از طریق یک سؤال، تعلیق و جذابیت ایجاد کرد، در ادامه سؤال را بسط موضوعی داد و با رویکردهای مختلف آن را بررسی کرد تا در پایان، نتیجه‌گیری و گره‌گشایی صورت گیرد؛ در حقیقت یک سناریو ایجاد می‌کنیم. این سناریوی ذهنی، به‌ویژه در برنامه‌های ترکیبی و حتی برنامه‌های گفت‌وگومحور، به جذابیت برنامه کمک می‌کند.

۲. **فراز و فرود ساختاری:** مربوط به نحوه چیدمان آیتم‌ها و عناصر در کنار هم است. همان‌طور که گفتیم، فراز و فرود با توازن، نزدیکی بسیار دارد و مواردی مانند عدم توالی فرم‌های مشابه و نیز تشابه زمانی در فرم‌های مشابه، به ایجاد فراز و فرود کمک می‌کند، اما موردی که در فراز و فرود مهم است، ایجاد تنوع در برنامه است.

– تنوع در کاربرد بخش‌ها و عناصر؛ مهم‌ترین عامل در ایجاد فراز و فرود در برنامه‌های ترکیبی، استفاده متنوع از بخش‌ها، قالب‌ها و عناصر شنیداری است که به چگونگی طراحی محتوایی برنامه مربوط می‌شود، یعنی ما از ابتدا طراحی می‌کنیم که در چه فرم یا فرم‌هایی محتوای خود را منتقل کنیم. برای اعمال این تنوع، نیاز برنامه و تناسب موضوعی را حتماً باید مد نظر قرار داد. مثلاً موسیقی را می‌توان متناسب با موضوع، از جنس‌های متفاوت انتخاب کرد و اگر موضوعی این تفاوت را نمی‌طلبد، می‌توان از یک جنس موسیقی با ضرباهنگ‌ها و ریتم‌های متفاوت استفاده کرد (روشن، ۱۳۹۹: ۱۳۸-۱۴۱).

جدول ۲. محوره‌های معیار فراز و فرود در طراحی ساختاری (فرمی) برنامه ترکیبی

مقوله	زیرمقوله
اعمال فراز و فرود در طراحی محتوا، بخش‌ها و عناصر برنامه	۱. فراز و فرود درونی یا محتوایی: چگونگی طراحی موضوعی و سناریویینی برای برنامه
	۲. فراز و فرود ساختاری: نحوه چیدمان آیتم‌ها و عناصر کنار هم؛ تنوع در کاربرد بخش‌ها و عناصر

معیار ریتم

معیار ریتم از جمله معیارهایی بود که نزدیک به همه مصاحبه‌شوندگان به اهمیت آن اشاره کردند. در ادامه، با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان، به بررسی عوامل مختلفی می‌پردازیم، که در تعیین ریتم مؤثر هستند و همچنین عواملی که ریتم برنامه را شکل می‌دهند.

الف. عواملی که نوع ریتم برنامه را تعیین می‌کنند:

۱. مأموریت شبکه: هر شبکه، با توجه به اهدافی که آن شبکه بر اساس آن طراحی شده است و با توجه به پیمایی که می‌خواهد منتقل کند، می‌تواند لحن، بیان و ریتم متفاوتی داشته باشد.

۲. زمان پخش برنامه و توجه به ریتم بدن: یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین ریتم برنامه، ساعت پخش برنامه است. زمان پخش برنامه در تعیین ریتم شروع برنامه، متن برنامه، موسیقی، حجم گفتار برنامه و ... تأثیرگذار است. در جدول پخش برنامه^۱ هر شبکه سعی می‌شود، متناسب با ساعت بیولوژیک بدن انسان، برنامه‌ها چیدمان شوند. متناسب با ریتم بدن انسان، برنامه‌ها به چند دسته کلی صبحگاهی، نیمروزی، عصرگاهی و شبانهگاهی تقسیم می‌شوند. برای طراحی برنامه، باید از ابتدا، به ساعت پخش آن دقت کرد. هر کدام از این ساعت‌ها، نوعی ریتم را می‌طلبد که انتخاب‌ها را در هر برنامه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. مخاطبان هدف برنامه: هر برنامه، باید بر اساس مخاطب هدف خود، لحن، نوع موسیقی‌ها و ریتم برنامه را انتخاب کند. به طور کلی، باید بدانیم مخاطبان برنامه ما، عام هستند یا خاص، اگر مخاطب خاص هستند چه حدود سنی را شامل می‌شوند، تحصیلات‌شان در چه محدوده‌ای است، از برنامه چه اطلاعاتی را می‌خواهند دریافت کنند، ترجیح می‌دهند اطلاعات با چه ریتمی به آنها منتقل شود و ...

۴. موضوع برنامه: موضوع برنامه، می‌تواند در انتخاب نوع ریتم برنامه بسیار مؤثر باشد و حتی نقش اول را در تعیین ریتم برنامه داشته باشد. مثلاً به طور کلی، برنامه‌های ورزشی یا برنامه‌های مناسبتی برای اعیاد، ریتمی پویا را می‌طلبد، اما خب همیشه استثنائاتی هم می‌تواند وجود داشته باشد و تهیه‌کننده می‌تواند طراحی متفاوتی را برای بیان موضوع انتخاب کند.

۵. مدت زمان برنامه: این مورد، جهت تعیین ریتم برنامه، میان برنامه‌سازان، کمترین اشاره را داشت. عده‌ای از تهیه‌کنندگان معتقد بودند، امروزه باید در هر برنامه‌ای با هر زمانی اصل تنوع را رعایت کرد و از بخش‌ها و عناصر کوتاه‌تر استفاده کرد؛ چون حوصله شنیداری مخاطب پایین است. اما به هر حال، برنامه را بر اساس زمان برنامه، طراحی می‌کنیم. اگر برنامه دو ساعت است، داشته‌هایمان را در دو ساعت توزیع می‌کنیم و اگر برنامه سی دقیقه است، باید برای

۱. conductor. جدولی حاوی زمان دقیق و ترتیب پخش برنامه‌ها به همراه نام آن‌ها که به صورت هفتگی، ماهانه و سالانه است (صادقی، ۱۳۸۶: ۵۶).

سی دقیقه طراحی کنیم و به صورت کیسولی بخش‌ها را به هم ربط دهیم. اما اگر دو ساختار مشابه، مثلاً با توجه به پژوهش ما دو برنامه ترکیبی با زمان‌های مختلف را مد نظر قرار دهیم، عنصر زمان در هر دو تأثیرگذار است. یک مجله سی دقیقه‌ای با یک مجله شصت دقیقه‌ای، به لحاظ طول آیت‌ها، زمان موسیقی‌ها، نوع جمله‌بندی‌ها و ... متفاوت خواهد بود.

ب. عواملی که ریتم برنامه ترکیبی را شکل می‌دهند:

قبل از برشمردن عوامل، لازم است به عامل مهمی اشاره کنیم که به ایجاد ریتم در برنامه‌های ترکیبی کمک می‌کند و کارشناسان نیز بر آن تأکید داشتند، و این عامل، تنوع است. برای ایجاد ریتم باید تنوع ایجاد کرد، تنوع در استفاده از قالب‌ها و آیت‌ها، تنوع در موسیقی، تنوع در صداهای برنامه، تنوع در نحوه تبلیغ و معرفی برنامه و بخش‌های آن و ...

۱. **تقطیع برنامه به بخش‌ها و قالب‌های متنوع:** مهم‌ترین عامل در ایجاد ریتم برنامه ترکیبی، که برنامه‌سازان بیان کردند، تقطیع برنامه به بخش‌ها و قالب‌های متنوع و تعیین زمان این بخش‌ها، همچنین تعیین یک روند متناوب برای ارائه بخش‌های برنامه است.

● **تقطیع برنامه:** برای ایجاد تنوع در بخش‌ها و قالب‌های برنامه، می‌توانیم یک موضوع را در فرم‌های مختلف بیان کنیم، مثلاً اگر در یک برنامه عصرگاهی، به مناسبت روز اهدای عضو می‌خواهیم بسته ویژه‌ای داشته باشیم، می‌توانیم از فرم‌هایی مانند گزارش، وکس پاپ، مینی فیچر، کارشناس، نمایش و ... استفاده کنیم و نکته دیگر اینکه بهتر است این فرم‌ها مشابه نباشند و نیز فرم‌های مشابه کنار هم قرار نگیرند، مثلاً اگر از دو فرم استفاده می‌کنیم، هر دو کلامی مثل گفت‌وگو با کارشناس در استودیو و مصاحبه تلفنی نباشند.

● **طول آیت‌ها:** در جریان فرایند تقطیع، هرچه زمان بخش‌ها و آیت‌ها کوتاه‌تر باشد، ریتم تندتر می‌شود و برعکس؛ باید دید چه چیدمانی برای موضوع برنامه مناسب است.

● **تقطیع بخش‌ها و آیت‌ها:** ریتم، هم به طول و هم به ساختار درونی آیت‌ها مربوط است و باید یک تناسب منطقی بین این دو باشد. برای ایجاد ریتم پویا، علاوه بر تقطیع کل برنامه، قالب‌ها و آیت‌های برنامه را نیز، در صورت امکان باید متناسب با ریتم کلی برنامه تقطیع کرد.

● **تناوب:** مورد دیگری که برای ایجاد ریتم در برنامه‌های ترکیبی لازم است، وجود یک روند

۱. این فرم رادیویی، در حقیقت یک نوع گزارش است که با یک سؤال آغاز می‌شود؛ با سؤال مشترکی که از افراد مختلف و متعدد از نظر سن و جنس، یکسان پرسیده می‌شود. سپس سؤال‌ها و پاسخ‌های مختلف مردم، پشت سرهم گذاشته شده و زمان آن از ۳۰ ثانیه تا ۹۰ ثانیه، بنابر اقتضای این فرم رادیویی است. هدف اصلی در این فرم، این است که برنامه‌ساز مطمئن شود برای یک سؤال مشترک نظرهای مختلفی وجود دارد.

۲. مینی‌فیچر، برنامه‌ای گزارشی و خبرمحور است که یک ماجرا یا داستان را، در مدت ۵ دقیقه، به صورت موجز بیان می‌کند؛ که ممکن است حقیقی یا ساختگی باشد.

منظم و متناوب، برای ارائه بخش‌ها و آیت‌ها است. به این صورت که در یک روند متناوب و نوبت به نوبت، بخش‌های برنامه را تکرار کرد، مثلاً بخش کلام محور (تک صدایی)، بعد موسیقی، بعد بخش کلام محور (چند صدایی)، بعد قالب تبلیغی و این روند به صورت متناوب تکرار شود.

۲. میزان پخش موسیقی: موسیقی، یکی از چهار عنصر اصلی رادیو است که در کنار کلام، افکت و سکوت، در ایجاد تنوع، رنگ آمیزی، بیان احساس و ایجاد ریتم در برنامه، به ویژه در برنامه‌های ترکیبی مؤثر است.

برای تعیین میزان استفاده از موسیقی و تعداد موسیقی‌ها، ساختار برنامه مهم است. ساختار برنامه‌های ترکیبی و گفت و گو محور، میزان متفاوتی را از موسیقی می‌طلبد. در برنامه‌هایی که گفت و گو محور است، انتظار پخش موسیقی زیاد وجود ندارد؛ اما در برنامه‌های ترکیبی، قطعاً میزان موسیقی و تنوع موسیقایی مهم است. با توجه به تعداد آیت‌های برنامه و ریتمی که می‌خواهیم داشته باشیم (کم، متوسط، تند) میزان استفاده از موسیقی متفاوت است.

۳. ریتم و تمپوی موسیقی برنامه: با توجه به نظر برنامه‌سازان و با استناد به تعاریف نظری، تمپو به معنای میزان تنیدی و کندی یک قطعه موسیقی است. موسیقی‌ها همچنین می‌توانند ریتم‌های متفاوتی داشته باشند.

● ریتم موسیقی‌های انتخاب شده، باید در تناسب با ریتم کلی برنامه و ریتم بخش‌ها و آیت‌های درون برنامه باشد. در برنامه‌هایی که می‌خواهیم ریتم بالاتری داشته باشیم، باید از موسیقی‌هایی با ریتم و تمپوی بالاتر استفاده کنیم.

● جنس موسیقی نیز، در ریتم موسیقی و برنامه مهم است. مثلاً در برنامه‌های صبحگاهی رادیو جوان، از موسیقی ایرانی، کمتر می‌توان استفاده کرد، چون معمولاً جمله‌های موسیقایی بلندی دارد و مناسب با ریتم برنامه پویای برنامه صبحگاهی این شبکه نیست.

● زمان پخش برنامه و اینکه برنامه صبحگاهی، عصرگاهی، شبانه‌گاهی و یا ... است، در انتخاب نوع ریتم و تمپوی موسیقی‌ها مؤثر است.

● در انتخاب نوع و جنس موسیقی‌ها، موضوع برنامه و موضوع قالب‌ها و آیت‌های درون برنامه مهم است. هر چه برنامه رنگ آمیزی موسیقایی بیشتری داشته باشد، جذاب تر است؛ اما باید کارکرد مناسبی داشته باشند. در یک برنامه ترکیبی، چون آیت‌های متفاوتی داریم، به فراخور محتوای هر آیت، می‌توانیم از انواع موسیقی غربی، ایرانی یا تلفیقی استفاده کرد؛ اما به این شرط که با محتوای یکدیگر متناسب باشند.

● همان‌گونه که گفته شده است، در رادیو بهتر است برنامه در فراز و فرود باشد. در این راستا، به تناسب محتوا بهتر است در طول برنامه از موسیقی‌های متنوعی استفاده کرد، که از یک جنس و یک دستگاه موسیقی نباشند؛ تا حس یکنواختی در برنامه ایجاد نشود. مثلاً همگی و بولون نباشند، مگر با هدفی خاص، مانند معرفی موسیقیدانی و یولونیست. در این

برنامه‌ها، موسیقی می‌تواند از یک جنس، اما با ریتم و تمپوهای متفاوت باشد. این مسئله به فراز و فرود موسیقایی در برنامه و در نتیجه به شنیدار کمک می‌کند. برای بالا رفتن ریتم برنامه با استفاده از موسیقی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تنوع در انتخاب موسیقی و استفاده از انواع موسیقی‌ها؛

- کاربرد موسیقی‌هایی با ریتم و تمپوی بالا؛

- جنس موسیقی می‌تواند در ریتم مؤثر باشد، برای مثال موسیقی پاپ عموماً ریتم و تمپوی بالاتری دارد؛

- استفاده از موسیقی‌های کوتاه، از جمله "پالس".

۴. **تمپوی کلام:** تمپو اصطلاحی موسیقایی است که میان برنامه‌سازان، برای بیان چگونگی و میزان سرعت کلام گویندگان و کارشناسان رادیویی استفاده می‌شود. مثلاً برای ایجاد هیجان، باید از تمپوی بالاتر استفاده کرد و برای بیان احساسات عمیق‌تر، ریتم و تمپو پایین می‌آید. برنامه‌سازان همچنین، برای بیان میزان سرعت کلام از اصطلاحاتی مانند ریتم یا ضرباهنگ استفاده می‌کنند، که تمپو صحیح‌تر است.

تمپوی کلام گویندگان و حتی مهمانان و کارشناسان برنامه، می‌تواند در راستای ریتم کلی برنامه، به کامل‌تر شدن فرایند ریتم کمک کند و بهتر است قبل از شروع برنامه انتخاب‌های درستی انجام داد.

ساعت پخش برنامه هم، در انتخاب لحن و تمپوی کلام گوینده و مجری مؤثر است. برای مثال تمپوی کلام در برنامه‌های صبحگاهی و شامگاهی متفاوت است. عاملی دیگری که در تمپوی کلام گوینده مؤثر است، متن نوشتاری برنامه است. هرچه متن‌ها کوتاه‌تر و جمله‌بندی‌های درون متن نیز کوتاه‌تر باشد، تمپوی کلام گوینده و در نتیجه ریتم برنامه بالاتر می‌رود.

۵. **متن نوشتاری برنامه:** نوع متن، اجرا و چگونگی اجرای آن در چگونه بودن ریتم برنامه مؤثر است.

- **تناسب متن برنامه با ریتم برنامه:** متن برنامه از ابتدا توسط نویسنده، باید بر اساس ریتم مد نظر برنامه نوشته شود و سبک نوشتاری آن در چگونگی ریتم، مهم است. مثلاً اگر بخواهیم ریتم برنامه تند باشد، بهتر است جمله‌ها کوتاه باشند، و طولانی و چندبخشی نباشند.
- **حفظ ریتم متن تا پایان برنامه:** ریتمی را که در متن برنامه اعمال می‌کنیم، باید تا پایان حفظ کرد، مگر اینکه طراحی خاص و اندیشیده‌ای داشته باشیم.

● **خوانش درست متن:** رعایت ریتم درونی متن و ادای درست زیر و بمی کلمه‌ها و جمله‌ها، مهم است. ممکن است متنی با ریتم زیبا، اما خوانش غلط و رعایت نکردن فراز و فرود جمله‌ها و آکسان‌گذاری‌های غلط، متنی تخت و نازیبا تلقی شود.

۶. **تنوع صدایی در برنامه:** کاربرد صداهای مختلف و توالی صداهای مختلف می‌تواند به تنوع صدایی برنامه کمک کند.

● **کاربرد صداهای مختلف:** چندصدایی، یعنی شنیدن صداهای مختلف در برنامه، مثلاً صدای مجری، صدای کارشناس، خواننده، گویندگان آیت‌ها و قالب‌ها و ... تنوع صداهای، در طول برنامه، عاملی است که به رنگ‌آمیزی برنامه و بالا رفتن تنوع در برنامه کمک می‌کند.

● **توالی صداهای مختلف:** برای ایجاد تنوع در برنامه، خوب است در طول برنامه، پشت سر هم صداهای متنوع بیاید. این تنوع، می‌تواند هم به لحاظ جنسیت صدا و هم رنگ صدا اعمال شود. مثلاً اگر گوینده خانم است، گزارشگر آقا باشد و یا گزارشگر به لحاظ رنگ صدا، صدایی متفاوت داشته باشد، مثلاً خانمی با صدایی بم‌تر یا زیرتر از گوینده باشد. این تنوع صدایی را، بهتر است در توالی بخش‌ها و آیت‌ها و نیز درون آیت‌ها رعایت کرد.

۷. **استفاده از قالب‌های نوین:** قالب‌هایی مانند آنونس^۱، وکس پاپ، پرومو^۲، جینگل^۳، مینی فیچر^۴، پی اس آ^۵ و ... چون ساختار کوتاهی دارند، به خودی خود در بالا رفتن ریتم برنامه و همچنین ایجاد تنوع و جذابیت در برنامه مؤثر هستند. استفاده از این عناصر، باید متناسب با برنامه باشد، مثلاً بین بخش‌ها می‌توان در صورت تناسب به جای موسیقی فاصله از آنونس استفاده کرد. آنونس هم اطلاع‌رسانی می‌کند و هم جذاب است و می‌تواند برای فضا سازی و اتصال بخش‌ها مناسب باشد. سکوت و افکت نیز از جمله عناصر شنیداری هستند که به ایجاد ریتم در برنامه کمک می‌کنند.

● **افکت:** افکت هم از عناصری است که به کمک آن می‌توان به برنامه تنوع و رنگ‌آمیزی شنیداری بیشتری داد. افکت می‌تواند به ایجاد تقطیع‌های برنامه کمک کند.

● **سکوت:** همان گونه که در موسیقی، سکوت برای ایجاد ریتم مؤثر است، برای ایجاد ریتم برنامه هم مؤثر است؛ هرچند شاید محسوس نباشد. سکوت به ایجاد فراز و فرود کمک می‌کند. سکوت نشانه‌ای از پایان یک بخش و شروع بخش دیگر است (روشن، ۱۳۹۹: ۱۴۱ - ۱۵۴).

۱. قطعه برنامه کوتاه، که با استفاده از قطعات یک برنامه به طور موجز و مختصر، با هدف تبلیغاتی برنامه را معرفی می‌کند.

۲. تبلیغ یک برنامه رادیویی است و در کمتر از یک دقیقه ساخته می‌شود؛ حاوی نام، موضوع، رویکرد، زمان پخش و قسمتی از برنامه است که تاریخ مصرف محدود دارد (اسمعیل‌نژاد، ۱۳۹۸).

۳. جینگل در لغت به معنای زنگوله است و یکی از قالب‌های موسیقی کوتاه رادیویی است که برای تشخیص یک شبکه یا برنامه استفاده می‌شود، تا به آن هویت بدهد و می‌تواند شامل مواد گفتاری، آواز و موسیقی باشد (اسمعیل‌نژاد، ۱۳۹۸).

۴. آگاهی خدمات عمومی (Public service Announcement)، نوعی قالب برنامه‌سازی است، که منافع عمومی جامعه با محتوای آموزشی را در نظر می‌گیرد و با زمان حداکثر ۹۰ ثانیه و موضوع اجتماعی، فرهنگی و گاه اقتصادی و با هدف آموزش به مخاطب، تولید می‌شود. هدف از ساخت آگاهی خدمات عمومی، آگاهی بخشی، تقویت رفتارهای مثبت و تغییر رفتارهای منفی است (اسمعیل‌نژاد، ۱۳۹۸: ۵).

جدول ۳. محورهای معیار ریتم در طراحی ساختاری (فرمی) برنامه‌ترکیبی

مقوله	زیر مقوله
	<p>الف. عوامل تعیین‌کننده نوع ریتم برنامه:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. مأموریت شبکه؛ ۲. زمان پخش برنامه و توجه به ریتم بدن؛ ۳. مخاطبان هدف برنامه؛ ۴. موضوع برنامه؛ ۵. مدت زمان برنامه.
اعمال پویایی در برنامه و جلوگیری از یکنواختی، با ایجاد ریتم	<p>ب. عواملی که ریتم برنامه ترکیبی را شکل می‌دهند:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. تقطیع برنامه به بخش‌ها و قالب‌های متنوع؛ ۲. میزان پخش موسیقی؛ ۳. ریتم و تمپوی موسیقی برنامه؛ <ul style="list-style-type: none"> ● کاربرد موسیقی‌هایی با ریتم و تمپوی بالا ● جنس موسیقی ● استفاده از موسیقی‌های کوتاه مانند پالس ۴. تمپوی کلام؛ ● تناسب سرعت کلام گویندگان با ریتم کلی برنامه ۵. متن نوشتاری برنامه؛ ● تناسب متن برنامه با ریتم برنامه ● حفظ ریتم متن تا پایان برنامه ● خوانش درست متن توسط گویندگان ● تناسب طول متن‌ها با ریتم برنامه ● تناسب طول جمله‌ها با ریتم برنامه ● تأثیر موسیقی درون کلمه‌ها بر ریتم متنی برنامه ۶. تأثیر تنوع صدایی در برنامه بر ایجاد ریتم برنامه؛ ● ایجاد ریتم در برنامه از طریق صداهای مختلف و توالی صداهای مختلف ۷. تأثیر استفاده از قالب‌های نوین مانند جینگل، پرومو و ... در ایجاد ریتم پویا در برنامه.

تناسب

تناسب، شاید یک معیار بدیهی باشد که بیشتر مصاحبه‌شوندگان، آن را معیار مهمی در چینش برنامه می‌دانستند. معیار تناسب، ارتباط بسیاری با محتوا دارد و لازم است یک بار پیش از چینش در نظر گرفته شود، یعنی باید توجه کرد بخش‌ها و قالب‌های انتخاب‌شده مناسب با اهداف شبکه، مخاطب و زمان پخش است یا نه، و بار دیگر حین طراحی برنامه باید آن را مد نظر قرار داد؛ مثلاً در شبکه فرهنگ زبان مناسب، زبان معیار است و زبان عامیانه متناسب با اهداف شبکه نیست، اما ممکن است در برنامه‌ای متناسب با موضوع از زبان عامیانه استفاده شود. مصاحبه‌شوندگان رعایت معیار تناسب را در این موارد مطرح کرده‌اند:

۱. تناسب قالب و محتوا

- شاکله برنامه، قالب و محتوا است که باعث شکل گرفتن برنامه می‌شود. قالب و محتوا، به هم پیوسته و در هم تنیده هستند. عموماً بر اساس موضوع و محتوا، قالب و ظرف مناسب را انتخاب می‌کنیم. برنامه‌ساز، باید قالب‌ها و ظرفیت‌هایشان را خوب بشناسد و توجه کند که چه قالبی، مناسب با موضوع و محتوای مورد نظر است؛ مثلاً زمانی که قیمت دلار بالا می‌رود و می‌خواهیم عکس‌العمل مردم را ببینیم، شاید قالب گزارش مناسب باشد و زمانی که از دفاع مقدس می‌خواهیم صحبت کنیم، شاید قالب مستند مناسب باشد.
- گاهی ساختار و قالب است که محتوا را تعیین می‌کند، مثلاً اگر بخواهیم برنامه صبحگاهی طراحی کنیم، تا حد زیادی فرم و قالب برایمان مشخص است و بعد محتوا را تعیین می‌کنیم. تناسب ظرف و مظهر، در ارتباط با مخاطب نیز باید در نظر گرفت و فرمی را انتخاب کرد که بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.
- مدت زمان برنامه هم در تعیین قالب‌ها مهم است، در یک مجله سی دقیقه‌ای، نمی‌توان از فیچر پانزده دقیقه‌ای استفاده کرد، بهتر است موضوع مورد نظر در قالب یک مینی فیچر ارائه شود.
- زمان پخش هم در انتخاب قالب و محتوا مؤثر است. مثلاً، از آنجایی که در برنامه‌های صبحگاهی، مصاحبه تولیدی، با پویایی مورد نظر در این برنامه‌ها تناسب ندارد، بهتر است مصاحبه زنده و در رابطه با یک موضوع خاص باشد که ذهن جامعه را درگیر کرده یا پرداختن به آن مهم است.

۲. تناسب بخش‌ها و قالب‌ها با کل برنامه

- این موضوع را از دو جنبه محتوایی و زمانی بررسی می‌کنیم.
- **تناسب محتوایی:** اگر برنامه تک‌موضوعی است، باید همه بخش‌ها و آیتم‌ها متناسب با موضوع محوری برنامه و مکمل هم باشند. اما اگر برنامه مجله‌ای و چند موضوعی باشد، باید چیزی مانند یک نخ تسبیح، بخش‌های مستقل را به هم متصل کند و بین آیتم‌ها یک ارتباط منطقی وجود داشته باشد. این ارتباط منطقی، به گفته استارکی می‌تواند تم مشترک، یا مخاطبان مشترک باشد.
 - **تناسب زمانی:** این موضوع، به ساختار برنامه و انتخاب قالب مناسب با محتوا مربوط است. ممکن است موضوع آیتم متناسب با کل برنامه باشد، اما فرمی را که انتخاب کرده‌ایم از نظر زمانی، با کل برنامه تناسب نداشته باشد، مثلاً یک مصاحبه طولانی، در یک برنامه صبحگاهی یا عصرگاهی، هر چند تناسب محتوایی داشته باشد، اما با ریتم کل برنامه، که باید ریتمی پویا باشد، در تضاد است. همچنین مدت آیتم‌ها، باید متناسب با مدت برنامه باشند، مثلاً در یک برنامه سی دقیقه‌ای نباید یکی از آیتم‌ها بیست دقیقه و یک آیتم پنج دقیقه باشد، در این صورت این برنامه مجله‌ای محسوب نمی‌شود؛ گفت‌وگو محور یا مستند و ... است.

۳. تناسب بخش‌ها و قالب‌ها نسبت به همدیگر

در برنامه تک موضوعی، مهم است که بخش‌ها، عناصر و قالب‌های درون برنامه، از نظر محتوایی مکمل هم و در تناسب با یکدیگر باشند، اگر برنامه‌ای چندموضوعی است، باید در تناسب با عامل مشترک برنامه باشد؛ که می‌تواند مخاطب یا تم مشترک برنامه باشد.

۴. تناسب موسیقی و کلام

تناسب موسیقی و کلام از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است.

● **تناسب محتوایی:** موسیقی انتخاب شده، چه بی‌کلام و چه باکلام، باید متناسب با موضوع و محتوای کلی برنامه یا بخش‌ها و آیتم‌ها باشد، در غیر این صورت، انسجام محتوایی برنامه به هم می‌خورد. در برنامه‌های مجله‌محور که چندموضوعی هستند، از موسیقی‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد. حال ممکن است بخواهیم یک موسیقی باکلام پخش کنیم که با موضوع آئتمی که پخش شده، چندان تناسب نداشته باشد، برای این منظور، می‌توان یک فضاسازی برای آن انجام داد تا پخش آن را منطقی کنیم؛ مثلاً در پایان آئتم از یک منطقه مثل مازندران صحبت می‌شود و این بهانه‌ای برای پخش یک موسیقی مازندرانی می‌شود.

● **تناسب حجم موسیقی به کلام:** در چینش جدول پخش برنامه، تناسب حجم کلام به موسیقی از مواردی است که وقتی قالب‌ها و عناصر را می‌چینیم، باید به آن توجه داشته باشیم. در برنامه‌های ترکیبی از جمله مجله و جُنگ، موسیقی‌های متناسب با برنامه، چه با کلام و چه بی‌کلام، به جذابیت و رنگ‌آمیزی برنامه کمک می‌کنند. اما در برنامه‌های گفت‌وگو محور، استفاده از موسیقی لزومی ندارد.

● **درباره حجم موسیقی:** هر شبکه‌ای رویکرد خود را دارد و در سیاست‌های طرح برنامه، نسبت کلام به موسیقی را مشخص می‌کند؛ رویکرد شبکه جوان، شبکه گفت‌وگو و شبکه صبا، در رابطه با حجم موسیقی به کلام، بسیار با هم متفاوت است.

● **زمان پخش برنامه نیز، در میزان حجم موسیقی به کلام تأثیر دارد.** در برنامه‌های صبحگاهی نسبت به شبانه‌ها باید از موسیقی‌های بیشتر و در تناوب زمانی نزدیک‌تر استفاده کرد.

● **به طور کلی، حجم موسیقی به کلام کمتر است، اما اگر در یک برنامه ترکیبی شبکه صبا، برعکس شد، با مأموریت این شبکه در هماهنگی کامل است.**

● **یک معیار دیگر، برای میزان حجم موسیقی به کلام، موضوع برنامه است، مثلاً یک برنامه موسیقایی در شبکه فرهنگ، نسبت به برنامه‌های دیگر این شبکه، از موسیقی بیشتری استفاده می‌کند؛ یا در برنامه‌های جُنگ یا طنز محور، نسبت به برنامه‌های گفت‌وگو محور، که موسیقی در آن‌ها ضرورتی ندارد، موسیقی بیشتری استفاده می‌شود.**

● **معیار دیگر، برای میزان حجم موسیقی به کلام، نحوه طراحی و خلاقیت تهیه‌کننده برای چگونگی مطرح کردن موضوع مورد نظر است (روشن، ۱۳۹۹: ۱۵۶ - ۱۶۱).**

جدول ۴. محورهای معیار تناسب در طراحی ساختاری (فرمی) برنامه ترکیبی

مقوله	زیرمقوله
تناسب اجزاء و بخش‌های برنامه با هم و با کل برنامه	<p>۱. توجه به تناسب قالب و محتوا با یکدیگر؛</p> <p>۲. تناسب بخش‌ها و قالب‌های درون برنامه. به لحاظ محتوایی و زمانی با کل برنامه در تناسب محتوایی، اگر برنامه تک موضوعی است، باید اجزا با کل برنامه در تناسب باشند و اگر برنامه مجله‌ای و چند موضوعی است، با یک عامل وحدت بخش، مثلاً مخاطب، در تناسب باشند؛</p> <p>۳. تناسب بخش‌ها و قالب‌ها با یکدیگر؛</p> <p>۴. تناسب موسیقی و کلام به لحاظ محتوا و حجم.</p>

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به دنبال تعیین معیارهایی برای طراحی ساختاری برنامه‌های ترکیبی رادیویی، با ساختار منسجم و متنوع بوده‌ایم. در برنامه‌سازی رادیویی، علاوه بر انتخاب محتوای مناسب، چگونگی طراحی مناسب نیز در بهبود کیفیت ارائه و جذب مخاطب، سهم مهمی دارد. از جمله عواملی که به ایجاد یک طراحی مناسب، در طراحی برنامه‌های رادیویی کمک خواهد کرد، رعایت انسجام و یکپارچگی در عین وجود تنوع است. معیارهای مطرح در این پژوهش، که از مصاحبه عمیق با بیست نفر از کارشناسان و متخصصان برنامه‌سازی رادیویی استخراج شده، به اعمال انسجام، یکپارچگی و تنوع در طراحی برنامه کمک خواهند کرد. هرچند نمی‌توان چارچوب خاصی را، برای طراحی برنامه‌های رادیویی تعیین کرد، زیرا هر برنامه رادیویی، متناسب با شبکه‌ای که در آن تولید می‌شود، موضوع برنامه، مخاطب هدف، ساعت پخش برنامه، سلیقه تهیه‌کننده و ... می‌تواند چینی متفاوتی داشته باشد و رویکردهای متفاوتی در طراحی برنامه‌های رادیویی پیش رو قرار گیرد. اما در برنامه‌سازی رادیویی نیز، مانند هر حرفه و هنر دیگر، می‌تواند معیارهایی کلی وجود داشته باشد که رعایت آن‌ها فرایند تولید برنامه را بهبود بخشد و همچنین به ایجاد زمینه نظری مناسب، در طراحی برنامه به تهیه‌کنندگان کمک خواهد کرد.

در این پژوهش، با استفاده از مبانی نظری و به‌ویژه دانش و تجربه مصاحبه‌شوندگان و با توجه به پاسخ آنها به سؤال اصلی پژوهش، یعنی این سؤال که "برای طراحی ساختاری برنامه‌های ترکیبی رادیویی چه معیارهایی را می‌توان مد نظر قرار داد؟" چهار معیار کلی توازن، تناسب، ریتم و فراز و فرود را معرفی کردیم که هر کدام از این معیارها زیرشاخه‌هایی را نیز شامل می‌شوند؛ معیارهایی که به برنامه‌ساز، در ساختن برنامه‌ای متنوع و یکپارچه کمک خواهند کرد.

● **توازن**، معیاری بود که مصاحبه‌شوندگان اجرای آن را، در طراحی برنامه، بسیار مهم دانستند. تعدادی معتقد بودند، یکی از علل اصلی ضعف در برخی برنامه‌ها، عدم توجه برنامه‌سازان به اصل توازن، در طراحی برنامه است. در معیار توازن، تعادل محتوا و بخش‌ها، قالب‌ها و عناصر در دو نیمه برنامه مد نظر است. توازن در برنامه، هم به لحاظ محتوایی و هم ساختاری باید

رعایت شود. منظور از توازن محتوایی، این است که محتواهای متفاوت، به توازن در کل برنامه تقسیم شود، مثلاً صحیح نیست که یک نیمه از برنامه محتوای سرگرمی و در نیمه دیگر محتوای اطلاع رسانی بیشتر شود.

منظور از توازن ساختاری نیز این است که عناصر شنیداری، بخش‌ها و آیتم‌ها در طول برنامه، متعادل پراکنده شوند. همچنین لحن، ریتم، تمپوی برنامه و ... در کل برنامه به توازن و تعادل پخش شود. رعایت این مورد، به انسجام شنیداری و محتوایی برنامه کمک بسیاری خواهد کرد؛ که توجه به آن از جانب تهیه‌کنندگان، بسیار مهم است.

● **فراز و فرود**، معیار مطرح دیگری، است که ایجاد تنوع را در برنامه در عین توازن مد نظر دارد. در برنامه‌های ترکیبی، وجود تنوع در بخش‌ها، آیتم‌ها و عناصر شنیداری لازم است و باعث افزایش جذابیت برنامه خواهد شد. معیار فراز و فرود، نقش مهمی در اعمال تنوع در برنامه دارد. در برنامه‌های ترکیبی، برای هر برنامه یک منحنی جذابیت می‌توان کشید، که نقش فراز و فرود در این منحنی مهم است. در این منحنی یا "موج سینوسی"، در نقاطی که برنامه ریتم یا تمپوی بالاتری دارد، منحنی در فراز است و در نقاطی که برنامه فروکش می‌کند، منحنی در فرود است. این فراز و فرودها، بهتر است در حالتی از توازن باشند و یک نیمه برنامه در فراز و نیمه دیگر در فرود نباشد. هرچه منحنی این موج‌های سینوسی کوتاه‌تر، یعنی نقاط فراز و فرود بیشتر و به هم نزدیک‌تر باشند، ریتم برنامه تندتر است و هرچه این منحنی‌ها کمتر و با فاصله باشد، ریتم کندتر است.

اعمال فراز و فرود، چه در کلیت برنامه و چه در درون بخش‌ها و آیتم‌ها، هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی، در برنامه ترکیبی لازم است. فراز و فرود درونی (محتوایی)، محتوای برنامه را شکل می‌دهد و به طراحی موضوعی برنامه مربوط است. مثلاً اینکه کی سوال ایجاد کنیم؟ کی بسط موضوعی بدهیم؟ و چه موقع سؤال را جواب بدهیم؟ فراز و فرود ساختاری نیز مربوط به نحوه چیدمان آیتم‌ها و عناصر در کنار هم است. مهم‌ترین عامل در ایجاد فراز و فرود در برنامه‌های ترکیبی، استفاده متنوع از بخش‌ها، قالب‌ها و عناصر شنیداری است که به چگونگی طراحی محتوایی برنامه مربوط می‌شود؛ یعنی از ابتدا طراحی می‌کنیم که در چه فرم یا فرم‌هایی محتوای خود را منتقل کنیم. برای اعمال این تنوع، نیاز برنامه و تناسب موضوعی را باید مد نظر قرار داد.

● **ریتم**، معیار دیگری است، که همه مصاحبه‌شوندگان توجه به آن را، جهت اعمال تنوع و جذابیت در برنامه، بسیار مهم دانستند. در اعمال ریتم برنامه، باید به انسجام و توازن ریتم در کل برنامه، در عین داشتن فراز و فرود، توجه داشت. عوامل مختلفی در ریتم برنامه مؤثر هستند که در دو گروه کلی آن را بررسی کردیم.

۱. عواملی که نوع ریتم برنامه را تعیین می‌کنند، از جمله: مأموریت شبکه، زمان پخش برنامه، مخاطبان هدف برنامه، موضوع برنامه، مدت زمان برنامه.

۲. عواملی که ریتم برنامه ترکیبی را شکل می‌دهند، از جمله:
تقطیع برنامه به بخش‌ها و قالب‌های متنوع، که هرچه تقطیع بیشتر و طول آیت‌ها کوتاه‌تر باشد، ریتم تندتر می‌شود. علاوه بر تقطیع برنامه، بخش‌ها و آیت‌های برنامه را، متناسب با ریتم کلی برنامه، می‌توان تقطیع کرد.

- میزان پخش موسیقی و طول موسیقی‌های پخش شده در ریتم برنامه مؤثر است.
- تمپو و سرعت موسیقی‌ها نیز در ریتم برنامه مؤثر است.

- تمپوی کلام افرادی که صدایشان در برنامه شنیده می‌شود، در ریتم برنامه مؤثر است. مهم‌ترین شخص، مجری است و بعد گویندگان آیت‌ها و کارشناسان برنامه که تمپوی کلامشان باید در راستای ریتم کلی برنامه باشد.

- متن نوشتاری برنامه نیز، در چگونگی ریتم برنامه مؤثر است و از ابتدا باید در راستای ریتم تعیین شده برنامه نوشته شود.

- تنوع صداهای برنامه، مثلاً صدای مجری، گویندگان آیت‌ها و ... به ریتم برنامه ترکیبی کمک خواهد کرد. بهتر است صداهای متفاوت نیز به صورت متوالی بیایند.

- استفاده از قالب‌های نوین نیز، به دلیل کوتاه بودن و اینکه موسیقایی هستند، به ریتم برنامه ترکیبی کمک می‌کند.

● **تناسب**، معیار دیگری است که رعایت آن به یکپارچگی برنامه کمک بسیاری خواهد کرد. تناسب ساختاری در برنامه، معیاری است که با محتوای برنامه ارتباط بسیاری دارد. در این پژوهش، معیار تناسب در موارد زیر مطرح شدند:

- تناسب بین قالب و محتوا؛ بر این اساس، برنامه‌ساز باید انواع قالب‌ها و ظرفیت‌هایشان را بشناسد و بر اساس محتوایی که دارد قالب مناسب را، برای انتقال محتوا و پیام خود انتخاب کند. زمان و مدت پخش برنامه در انتخاب قالب‌ها مؤثر هستند.

- تناسب بخش‌ها و قالب‌ها با کل برنامه؛ در تناسب بین بخش‌ها و قالب‌ها، باید هم تناسب محتوایی و هم تناسب زمانی را مد نظر داشت. در تناسب محتوایی برنامه تک‌موضوعی، باید همه بخش‌های مختلف در راستای موضوع برنامه باشند. در برنامه چندموضوعی نیز لازم است یک ارتباط منطقی بین بخش‌ها باشد. این ارتباط منطقی می‌تواند تم مشترک یا مخاطبان مشترک باشد. همچنین در تناسب زمانی، لازم است فرم و قالب انتخابی متناسب با زمان کلی برنامه باشد، مثلاً در یک برنامه ترکیبی سی دقیقه‌ای، یک فرم پانزده دقیقه‌ای متناسب نیست.

- تناسب بخش‌ها و قالب‌ها نسبت به همدیگر؛ در برنامه تک‌موضوعی، باید بخش‌های مختلف در راستای هم و مکمل یکدیگر باشند و در برنامه چند موضوعی، باید در راستای عامل وحدت بخش برنامه، مانند تم مشترک و مخاطب مشترک، باشند.

- تناسب موسیقی و کلام نیز مهم است؛ در تناسب موسیقی با کلام، باید تناسب محتوایی و تناسب حجم موسیقی به کلام را مد نظر داشت. موسیقی‌های انتخاب شده، در تناسب با موضوع اصلی برنامه و یا موضوع آیت‌ها و کلام باشد. در رابطه با تناسب حجم موسیقی به کلام، مأموریت شبکه نیز تعیین کننده است.

در ادامه، خوب است اشاره‌ای به ارتباط میان نظریه مورد استفاده در پژوهش (نظریه فرمالیسم) و یافته‌های پژوهش داشته باشیم. نظریه پردازان فرم‌گرا، اثر هنری و ادبی را، اثری می‌دانند که دارای وحدت و انسجامی نظام‌مند و ساختاری یکپارچه باشد. کلایو بل، نظریه‌پرداز برجسته فرم‌گرا نیز، به اهمیت فرم دلالت‌گر در اثر هنری اشاره می‌کند و ویژگی شاخص فرم دلالت‌گر را ساختار یکپارچه اثر هنری می‌داند. در این راستا، برای طراحی برنامه‌های رادیویی، به‌ویژه برنامه‌های ترکیبی که از اجزا و عناصر شنیداری مختلفی تشکیل شده، وجود یکپارچگی و انسجام میان اجزای برنامه و نیز در کلیت برنامه، بسیار مهم است؛ زیرا یک برنامه منسجم قطعاً در انتقال هدف خود موفق‌تر خواهد بود و مخاطب ارتباط بهتری با برنامه و هدف آن برقرار خواهد کرد. برای این منظور، وجود معیارهایی چون توازن، فراز و فرود، ریتم و تناسب به انسجام و یکپارچگی برنامه، در عین وجود تنوع، کمک خواهد کرد.

در این پژوهش، که بیشتر به ساختار برنامه‌های ترکیبی رادیویی توجه دارد، بر وجود تنوع و انسجام در طراحی برنامه‌های ترکیبی تأکید شده است. وجود تنوع، برای یک برنامه ترکیبی لازم و عامل ایجاد جذابیت در برنامه است. برنامه‌ای که دارای تنوع در ارائه محتوا، ساختار و فرم‌های مختلف است، باید انسجام و یکپارچگی داشته باشد؛ در غیر این صورت (عدم یکپارچگی ساختاری و محتوایی برنامه) ممکن است مخاطب دچار تنش شده، تمرکز خود را از دست دهد و دیگر رغبتی به شنیدن ادامه برنامه نداشته باشند؛ یا اینکه پیام برنامه را به‌درستی درک و دریافت نکند.

میان چهار معیار مطرح شده در این پژوهش، جهت طراحی مناسب برنامه و اعمال یکپارچگی و تنوع در برنامه، معیار توازن و تناسب بیشتر ناظر بر ایجاد انسجام و یکپارچگی در برنامه و دو معیار ریتم و فراز و فرود، بیشتر ناظر بر ایجاد تنوع در برنامه ترکیبی هستند که در این دو معیار نیز، توجه به رعایت کردن تناسب و به‌ویژه توازن و مورد توجه است.

از آنجایی که، در جریان طراحی برنامه‌های رادیویی، توجه به محتوا بسیار مهم است و طراحی ساختاری برنامه‌ها، بر اساس محتوا انجام می‌شود از نظریه فرمالیسم نو، استفاده کردیم که به محتوا توجه دارد. در این نظریه، بر پیوند متناسب بین فرم و محتوا تأکید می‌شود، پیوندی متناسب که رضایتمندی مخاطب اثر را در پی خواهد داشت. با استفاده از نظریه فرمالیسم نو می‌توانیم بگوییم فرم مناسب با محتوا در برنامه‌سازی رادیویی، فرمی است که ابتدا برنامه‌ساز به عنوان یک فرد از آن احساس رضایت کند و در نتیجه مخاطب نیز در پی انتخاب درست فرم، از آن احساس رضایت داشته باشد.

بنابراین برنامه‌سازان برای جلب حس رضایتمندی از سوی مخاطبانشان، ضمن انتخاب محتوایی شایسته و مناسب، باید ساختار مناسب محتوای خود را نیز طراحی و اجرا کنند.

پیشنهاد‌های پژوهش

در نهایت، باید گفت با توجه به اینکه چگونگی طراحی برنامه رادیویی تأثیر مهمی در جذب مخاطب دارد، لازم است برنامه‌سازان، جهت طراحی مناسب برنامه‌ها، نسبت به طراحی برنامه رادیویی اتمام ورزند؛ در این راستا، آشنایی با معیارهای توازن، تعادل، تناسب و فراز و فرود کمک‌کننده خواهد بود. از سوی دیگر، مدیران معاونت صدا برای آموزش اصول طراحی برنامه به برنامه‌سازان، به‌ویژه برنامه‌سازان جوان لازم است برنامه‌ریزی داشته باشند.

منابع

- اسمعیل نژاد، معصومه. ۱۳۸۸. "برنامه‌های مجله‌ای رادیو". ماهنامه صدای جمهوری اسلامی ایران. سال هشتم. شماره ۴۹: ۱۱۵ - ۱۲۰.
- اسمعیل نژاد، معصومه. ۱۳۹۸. "قالب‌های جدید رادیویی در عصر کنونی". ارائه‌شده در جشنواره جهانی رادیو. استارکی، گای. ۱۳۹۸. رادیو، ساختار و محتوا. ترجمه عباس قارونی. تهران: انتشارات دانشگاه صداوسیما.
- برخوردار، ایرج. ۱۳۸۱. اصول تهیه‌کنندگی برنامه‌های رادیویی. تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا.
- برخوردار، ایرج. ۱۳۸۷. "تحلیل و بررسی برنامه‌های رادیویی". مجله رادیو، سال هفتم. شماره ۴۰: ۷۹ - ۸۶.
- جولانی، طاهره. ۱۳۹۶. بررسی عناصر انسجام بخش در متون اجتماعی رادیو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- چابکی، شایسته. ۱۳۸۸. بررسی میزان ارتباط و انطباق ریتم روزانه بدن با برنامه‌سازی رادیویی و پیشنهاد الگوی مطلوب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی رادیو. تهران: دانشگاه صداوسیما.
- حریری، نجلا. ۱۳۸۶. اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات.
- خاکمردانی، رضا. ۱۳۸۸. بررسی ساختار شبکه‌های تخصصی رادیویی با تکیه بر شیوه‌ها (قالب‌های) برنامه‌سازی از نظر عوامل در شبکه‌های تخصصی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی رادیو. تهران: دانشگاه صداوسیما.
- خجسته، حسن. ۱۳۹۶. رادیو چیست؟ جامعه‌شناسی رادیو. تهران: دانشگاه صداوسیما.
- دباغ، علیرضا. ۱۳۹۴. هنر تهیه‌کنندگی در رادیو. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.
- زند، نیلوفر. ۱۳۹۰. پیشنهاد راهبر مطلوب جذب تهیه‌کننده رادیویی از نظر کارشناسان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صداوسیما.
- روشن، فاطمه. ۱۳۹۹. طراحی ساختاری عناصر شنیداری در کنداکتور برنامه‌های رادیویی (مطالعه موردی: برنامه‌های ترکیبی رادیو). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه صداوسیما.
- سالمی، آزاده. ۱۳۸۶. بررسی میزان شنونده و میزان جذابیت برنامه‌های ترکیبی در شبکه‌های رادیویی ایران، تهران و

جوان و ارتباط آن با میزان استفاده از عوامل جذابیت برنامه های رادیویی. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی. تهران: دانشگاه صداوسیما.

علوی مقدم، مهیار. ۱۳۷۷. نظریه های نقد ادبی (صورتگرایی و ساختارگرایی). تهران: سمت.

صادقی، عادل. ۱۳۸۶. واژه نامه برنامه سازی رادیویی. تهران: دفتر پژوهش های رادیو.

کارول، نوئل. ۱۳۸۷. درآمدی بر فلسفه هنر. ترجمه صالح طباطبایی. تهران: فرهنگستان هنر.

Beaman, Jim. 2006. *Program Making For Radio*, Uk, Routledge.

Kenney, K. 2009. *Visual Communication Research Designs*. New York: Routledge.

Starkey, Guy 2002. *Radio in context*, Uk, Palgrave.

Tacchi, Jo. 2009. *Radio Journal International Studies in Broadcast & Audio Media*, Volume 7, Number 2.

Queensland University of Technology, Australia.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

